

خاندانی آثار

نویسنده: سرانجام الیادریاست

مترجم: افغان بهارلو



سیرشناسیه	: رایت، فرانک لویڈ، ۱۸۶۷ - ۱۹۵۹ م.
عنوان و نام پدیدآور	: Wright, Frank Lloyd
منتخبات بنشر	: خانه انتشار / فرانک لویڈ رایت: مترجم افسانه بهارلو.
منتخبات طاهرگی	: بهارلو: قدیس - ۱۳۹۰.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۵۰-۰۲-۵
وصفیت فهرست نویسی	: فسا
یادداشت	: عنوان اصلی: [Frank Lloyd Wright (11 preliminary studies 1933-1959
موضوع	: رایت، فرانک لویڈ، ۱۸۶۷ - ۱۹۵۹ م.
موضوع	: Wright, Frank Lloyd
موضوع	: معماران -- ایالات متحده
موضوع	: معماری خانگی -- ایالات متحده
موضوع	: معماری جدید -- قرن ۱۹ م.
موضوع	: معماری جدید -- آلمان
سبب افروده	: بهارلو، افسانه، ۱۳۶۲ م. مترجم
رده بندی کنگره	: ۷۳۷NA / ۲۱۲ / ۱۳۹۰
رده بندی دیویی	: ۷۲ / ۹۳
شماره کاتالوژی ملی	: ۲۶۱۲۹۵۵



شماره پروانه نشر: ۱۰۰۶

انتشارات قدیس

نام کتاب: خانه‌ی آشپز

نویسنده: فرانک لویڈ رایت

مترجم: افسانه بهارلو

ناشر: قدیس

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

تایپ و صفحه‌آرایی: حسینی لار ۶۶۴۶۳۲۹۰

چاپ و صحافی: فتاحی / یاسر

ناظر فنی چاپ: مرتضی کرباسی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۵۰-۰۲-۵

حق چاپ محفوظ و منحصرأ مخصوص ناشر است.

مراکز بخش:

(۱) نشر قدیس: تهران - میدان فردوسی - خیابان فردوسی شمالی - خیابان

شهید تقوی - کوچه انوشیروانی پلاک ۴ طبقه ۴ واحد ۱۳ تلفن ۶۶۷۱۶۰۹۸ - ۶۶۷۱۵۲۵۵

۰۹۱۲۲۷۰۴۸۳۷ - ۰۹۱۲۲۸۵۲۹۰۲ - ۰۹۱۲۲۱۶۸۳۴۴

(۲) بخش نسیم: تهران - خیابان انقلاب - بین خیابان ۱۲ فروردین و اردیبهشت

ساختمان ۳۱۰ - طبقه سوم - واحد ۱۱۱ تلفن: ۶۶۴۶۲۴۹۱ - ۶۶۹۷۵۹۸۴ - ۶۶۹۵۵۸۴۴ و ۵

«هو الجمیل»

سخن مترجم

معماران است که از عشق بنا ساخت باقی به طراحی غفلت بود و هنر می‌درد

معماری آغاز بی‌انتهاست. میری در آثار معماری جهان و مطالعه‌ی اندیشه‌های موجود در ویژگی‌های خاص هر یک از آنها موجب آگاهی از مسیر پیر تحول و رو به تکامل این هنر می‌شود که حاصل روح هنردوستی و تنوع طلب بشر می‌باشد. هنر به تکامل خود ادامه می‌دهد و هر چه در سفر عقربه‌ها به پیش می‌رویم، این تکامل را بیشتر احساس می‌کنیم. ذوقی که سرچشمه‌اش از بارگاه حق تعالی به تن انسانها روان شده است که عجب تراشیده این پیکر خاکی را و شاید اولین پیکره‌ای که در معماری بنا شد و در آن از اصل مهم تناسب طلایی استفاده شده تندیس وجود انسان است. حال این بشر با الهام گرفتن از ذات حق به خلق زیبایی و هنر می‌پردازد و آن لحظه که خالق خویش را می‌بیند که به طرز هنرمندانه‌ای از گل با همه‌ی سردی و بی‌روحي، گل را با تمام لطافت و زیبایی خلق می‌کند او نیز ناخودآگاه به سمت هنر و زیبایی سوق داده می‌شود و زیبایی را تصدیق و ستایش می‌کند.

معماری تن تاریخ است. روح سرگردان همه‌ی رخدادهای تاریخ معطوف و وابسته به این تن است. این هنر با گذشت زمان توسط هنرمندان رشد کرده و در برخی دوره‌ها به شکوفایی و زیبایی رسیده است. معماران زیادی عمر خود را برای خلق زیبایی به خاطر آرامش و آسایش افراد سپری کرده‌اند، که اکنون بررسی آثار هنرمندانه‌ی آنان، حتی پس از گذشت سالیان طولانی نیز حس تحسین هر هنر دوستی را برمی‌انگیزد.

این کتاب به معرفی مجموعه‌ای از آثار برجسته‌ی فرانک لوید رایت، معمار معروف آمریکایی، می‌پردازد و ویژگی‌های بارز هر یک از آنها را شرح می‌دهد. این معمار هنرمند توجه ویژه‌ای به انسان، نور و طبیعت داشته است و آنها را جلوه‌ای از ذات مقدس و هنرمند خداوند می‌داند، لذا این توجه و اندیشه را محور کارهای خود قرار داده است و تقریباً در تمامی آثارش به جایگاه ویژه‌ی انسان در طبیعت اشاره دارد. او به طرز ویژه‌ای در شاهکار هنریش که همان «خانه‌ی

آبشار» می‌باشد، از طریق معماری ماهرانه و هنرمندانه‌اش، با تلفیقی از رودخانه، سنگ و تمامی عناصر ساخت و نوای زیبای موسیقی آب، آرامش حاصل از دوستی و هماهنگی میان انسان و طبیعت را به ترسیم کشیده است.

او در آثار خود بر این تلاش بوده است که از تمامی عناصر طبیعی به گونه‌ای برای تزیین بناها بهره گیرد؛ او حتی در برخی کارها، خلق نقش‌های طبیعی توسط ویژگی‌های معماری را «موسیقی چشم» می‌داند که نمونه‌ی بارز آن در طراحی مرکز شهر مارین کانتی واقع در کالیفرنیا به چشم می‌خورد.

از آن جایی که انسان به طور ناخودآگاه و غریزی تمایل به بازگشت به فطرت خویش را دارد، هر آنچه به ذات او آرامش دهد و ریشه در اصل او و زیبایی‌های طبیعی داشته باشد، حس فطری زیبایی دوستی او را برمی‌انگیزد؛ لذا هر چه معمار در اجرای هنرمندیش از عناصر طبیعی بهره گیرد و به صدای طبیعت گوش دهد تا از هماهنگی موجود در آن الهام گیرد به گونه‌ای که تمام حواس فرد را برای درک زیبایی بیدار نماید، آثارش ماندگاری بیشتری پیدا می‌کنند و این همان اصلی است که در بطن بیشتر کارهای فرانک رایت به چشم می‌خورد، بنابراین در درک زیبایی آثار او چشم الزاماً برترین حس فرد نخواهد بود بلکه واسطه‌ای می‌شود برای تقویت و درک حسی دیگر و آن شنیدن است البته نه با گوش:

محرمان بوش جزئی بوش نیست مزمان را مشتری بزرگوش نیست

معماری باید نهایت تلاش خود را در شنیدن آوای طبیعت به کار برد. نغمه‌های زمین، پژواکی از نوای آسمان هستند:

پرده بگردان و بزن ساز نو بین که رسید از ملک آواز نو

معمار باید پرده‌ها را کنار زند و نوای زیبایی‌ها را به عمق فطرت انسان برساند، همچون شاعری که نوای عشق را در فطرت بشر بیدار کرده و احساسات او را برمی‌انگیزد، معماری نیز نوعی شاعری برای بیدار کردن فطرت زیبایی دوستی بشر می‌باشد. برای شاعرانه بودن در معماری باید از مرزها گذشت، از غایت و حدود تعریف شده‌ی آشنا عبور کرد و به دنیای بی‌انتهای خیال پیوست و در این مسیر از سمفونی زیبای طبیعت، نوای آسمان و نغمه‌های زمین بهره گرفت تا بتوان اثری ماندگار در دیده‌ها خلق کرد.

امید است با معرفی آثار این معمار هنرمند و اصول مشترک موجود در بطن کارهای او، این کتاب بتواند گامی مؤثر در پرورش خلاقیت، توجه به زیبایی‌های متوازن طبیعت و درک تأثیر استفاده از آنها در آثار هنری ساخته‌ی دست بشر، بردارد و در این راستا مفید واقع شود. در اینجا از زحمات کلیه‌ی دوستان و افرادی که در این گام با مشورت‌ها و همکاری‌های خود مرا مورد لطف خود قرار داده‌اند، تشکر می‌کنم.

همچنین از خانواده‌ی عزیزم به خصوص والدین مهربانم که همواره مشوق من بوده‌اند، به خاطر همه‌ی محبت‌ها و همراهی‌هایشان صمیمانه قدردانی می‌کنم. در ضمن لازم می‌دانم تشکر و سپاسگزاری خود را از دوست خوب و فرهیخته‌ام خانم دکتر فریال احمدی به خاطر پیشنهادات ارزشمند و نظرات سازنده‌شان در ویرایش تخصصی کتاب ابراز نمایم. به امید آنکه، این کتاب بتواند حس زیبا دوستی و درک زیبایی‌های موجود در طبیعت را در ما تقویت کند و ما را به سرچشمه‌ی همه‌ی زیبایی‌ها و همار بی‌همتای هستی نزدیکتر سازد.

افسانه بهارلو

آبان ۹۰

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱۳
خانه ویلیام وینسلو	۲۹
خانه‌ای در چمبرز	۳۰
خانه ویلیام فریک	۳۱
خانه وارد ویلیتس	۳۲
ساختمان لارکین	۳۴
معبد یونیتی	۳۷
خانه آوری کونلی	۴۰
خانه فردریک روبی	۴۲
خانه توماس گیل	۴۳
تماشاخانه آوری کونلی	۴۴
تالیسین	۴۶
خانه فرانسیس لیتل	۴۷
هتل امپریال	۴۹
خانه الین بارنزداال	۵۱
مدرسه جیوگا کوئن	۵۳
خانه آلیس میلارد	۵۵
خانه چارلز انیس	۵۷
اکاتیلو	۵۹
مجتمع انجمن تالیسین	۶۰
خانه مالکوم ویلی	۶۱
خانه ادگار کاف من	۶۳
خانه پال و جین هانا	۶۶
ساختمان جانسون	۶۷

- تالیسین غربی ۶۹
- خانه جان سی پو ۷۳
- خانه روز پاسون ۷۵
- برج تحقیقاتی جانسون ۷۶
- موزه گوگنهایم ۷۷
- خانه دوم هربرت جکوبز ۸۰
- کلیسای یونیتاری ۸۲
- فروشگاه اجناس کادویی وی. سی. موریس ۸۳
- برج شرکت اچ سی رایس ۸۵
- سیناگوگ ۸۷
- آسمان خراش مایل‌های ۸۹
- خانه نورمن لایکس ۹۱
- مرکز شهر مارین کانتی ۹۲
- شهر زنده ۹۴

مقدمه

در سال ۱۸۹۵، ناتان جی مور، وکیل سرشناس شیکاگویی که در نزدیکی اوک پارک اقامت داشت و همسایه فرانک لوید رایت معمار بود، به دفتر ساختمانی شیلر که متعلق به رایت بود رفت و از او خواست تا خانه‌ای را برایش طراحی کند. او یک شرط مهم داشت: "اینک ما از تو می‌خواهیم که خانه‌ای را برایمان بسازی، اما نمی‌خواهم چیزی شبیه خانه‌ای که برای وینسلو ساختی، باشد من نمی‌خواهم که برای رسیدن به قطار صبحگاهی و مسخره نشدن توسط مردم از کوچه پس کوچه‌ها گذر کنم." برای درک احساس ایجاد شده توسط خانه‌ای که در سکوت فضای آرام و پوشیده از درخت در حومه‌ی شهر قرار گرفته، ما باید معماری در ایالات متحده‌ی آن زمان؛ و بویژه معماری شیکاگو و اطراف آن را در نظر بگیریم.

معماری ایالات متحده در بین سال‌های ۱۸۹۵ تا ۱۹۰۵ در بهترین حالت خود، مجموعه‌ای بود از سبک‌های ترکیبی که هیچ یک از آن‌ها ارتباطی با ایده‌آل ملتی که در آن ساخته شده بود، نداشت. این عصر دوره‌ای بود که معماری را استفاده از مدها و سبک‌هایی می‌دانست که ارتباطی با ساختار و شیوه‌های ساخت و ساز نداشتند. اگرچه، آن دوره زمانی بود که کل صنعت ساخت و ساز دچار تحولات بنیادی شد. مصالح جدید وارد بازار می‌شد و در عین حال روش‌های جدید بکارگیری مصالح قدیمی نیز در حال توسعه بود.

نمایشگاه شیکاگو که در سال ۱۸۹۳ ساخته شد و نمایشگاه کلمبیا نمونه‌های بسیار خوبی از آنچه گفته شد، می‌باشند. از یک طرف، لوئیس سولیوان ادعا کرد که آن نمایشگاه "حداقل ۵۰ سال معماری آمریکا را نادیده گرفته است؛" در حالی که از طرف دیگر، دنیل برنهام، معمار اهل مد آن زمان، نمایشگاه را به عنوان نمونه‌ای از آنچه آمریکایی‌ها خواستار ساختنش بودند، تحسین کرد. او زمانی که رایت را برای رفتن به دانشکده هنرهای بکس در پاریس تشویق می‌کرد، به او گفت: "فرانک، این نمایشگاه تأثیر قابل توجهی بر کشور ما خواهد گذاشت. آمریکایی‌ها اصالت و ارزش را برای اولین بار در مقیاسی وسیع دیده‌اند."

معمار جوان که تازه کارش را با خانه ویلیام وینسلو آغاز کرده بود، در جواب گفت: "نه، حق با لوئیس سولیوان است... و اگر جان روت زنده بود، فکر نمی‌کنم چنین احساسی در مورد آن داشت." سپس برنهام گفت: "فرانک، نمایشگاه باید به تو نشان داده باشد که سولیوان و ریچاردسون به اندازه کافی در کارشان آگاهی دارند، اما روش آنها دیگر مرسوم نیست- معماری در حال تغییر است." و البته، همین طور بود. درک تقارن نقصان معماری مربوط به سال ۱۸۹۳

با زمانی که فرانک لوید رایت کار معماری‌اش را به طور خصوصی، پس از صرف تقریباً هفت سال در دفتر آدلر و سولیوان در شیکاگو آغاز کرد، کنایه آمیز است. پیشرفت ریچاردسون، سولیوان و رایت، سه معمار بزرگ، در کنار پیشرفت معماری آمریکا از سبک کلاسیک تا ایده آل مکرراً ذکر شده است. ریچاردسون قطعاً مقهور سنت رمانسک بود، اما کار او هنوز به طرز قابل توجهی مردانگی و قدرتی خاص را در خود دارد. ریچاردسون، شاعر و شریک در طراحی شرکت آدلر و سولیوان در شیکاگو، آن ساختمان بلند را واقعاً مرتفع کرد، البته نه فقط با روی هم قرار دادن انبوهی از سنگ. در کار او، محور بلند عمودی و برجسته باعث بوجود آمدن تبدیلی زیبایی از آن آسمان خراش شد.

پوشش مشبك، سقف اتاق غذاخوری در خانه‌ی فرانک لوید رایت، اوک پارک، ایلی نویز، ۱۸۸۹
طبق گفته‌ی رایت، ساختار روشنایی این اتاق غذاخوری اولین نمونه‌ی روشنایی غیر مستقیم است.

